

تأثیر تحول سیاست داخلی آنکارا نسبت به مساله کردها

بر روابط ترکیه و عراق

ضیاءالدین صبوری^۱ حامد علی نژاد^۲

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۴/۲۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۰/۱۸

چکیده

از بدو تاسیس جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳، دولت ملی در ترکیه با چالش مساله کردها مواجه بوده است. در طول دوره حدوداً هشتاد ساله تسلط کمالیست ها بر مراکز قدرت سیاسی در ترکیه، آنکارا سیاست انکار و ادغام کردها را در ناسیونالیسم ترکی پی گیری می کرد. پیدایش سازمان حزب کارگران کردستان (پ ک ک)، پاسخ کردها به سیاست انکار و ادغام به مثابه سیاستی در جهت دولت سازی مدرن در ترکیه بوده است. در طول دو دهه پایانی قرن بیستم، ترکیه شاهد کشمکشی خشونت بار مابین دولت مرکزی و سازمان پ ک ک بوده است به گونه ای که برآورد می شود که بیش از سی هزار نفر در طول این کشمکش خشونت بار جان باخته اند. به طور کلی در دوره تسلط کمالیست ها، مساله کردها در کنار مساله اسلام سیاسی توسط نخبگان در قدرت به عنوان تهدیداتی موجودیتی بر علیه تمامیت ارضی و مشخصه سکولار حکومت بر ساخته شده بودند، پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه از اوایل قرن جدید، آنکارا سیاست امنیتی سازی مساله کردها را تعدیل نموده و در صدد راه حل هایی جدید برای این مساله برآمده است و با توجه به ساختارهای دموگرافیکی و ژئوپولیتیکی عراق، و پایگاههای پ ک ک در کوهستان قندیل در اقلیم خودمختار کردستان عراق، مساله کردهای ترکیه و سیاست آنکارا بویژه در پیوند با عراق بعدی بین المللی نیز یافته است. در این مقاله به روش تبیینی و از چشم انداز رهیافت نظری امنیتی سازی و غیر امنیتی کردن، به تحول سیاست ترکیه در دوره سلطه حزب عدالت و توسعه نسبت به مساله داخلی کردها و تأثیر آن بر روابط ترکیه و عراق پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حزب عدالت و توسعه، کردهای ترکیه، عراق، فرایند صلح

۱۹۵

سیاست جهانی

۱- پژوهشگر روابط بین الملل، دبیر انجمن ایرانی روابط بین الملل

نویسنده مسئول، ایمیل: Ziasabouri@gmail.com

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان های بین المللی، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

مقدمه

بعد از استقرار جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، این کشور کشمکش‌های زیادی با کردهای ساکن در ترکیه داشته است. سیاست اولیه ترکی‌سازی نخبه‌های کمالیست با مقاومت جدی اقلیت کرد مواجه شد و نارآمی‌هایی را در ترکیه به وجود آورد که توسط کمالیست‌ها سرکوب گردید. در سال ۱۹۸۴ و زمانی که حزب تازه تأسیس کارگران کردستان (PKK) شروع به حملات تروریستی به خاک ترکیه از ناحیه بهشت امن در کوه‌های قندیل در شمال عراق نمود، مسئله بعد تازه به خود گرفت. درگیری‌های ترکیه با PKK جان سی هزار نفر را گرفته و هم توسعه داخلی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. در چندین سال گذشته؛ نارضایتی‌ها و فشارها برای حقوق سیاسی و فرهنگی در جامعه کردها در ترکیه آشکارا افزایش یافته است. بعد از انتخابات ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ که پیروزی فراگیری برای حزب عدالت و توسعه تحت رهبری نخست وزیر رجب طیب اردوغان بود، مسئله کردها به مهم‌ترین مسئله سیاسی داخلی در دستور کار حزب عدالت و توسعه ترکیه تبدیل شد و تلاش‌ها در جهت پیش‌نویس و اصلاح قانون اساسی ادامه یافت. انتظارها برای تحقق این قبیل تلاش‌ها پیش‌تر در همه‌پرسی عمومی ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ (۲۱ شهریور ۱۳۸۹) در باره ۲۶ ماده از مواد قانون اساسی ترکیه و در اوایل سال جاری نیز در همه‌پرسی قانون اساسی ترکیه در مورد تغییر ۱۸ اصل از قانون اساسی این کشور در ۱۶ آوریل ۲۰۱۷ (۲۷ فروردین ۱۳۹۶) نمود بارزی یافت. همزمان با اوج‌گیری این انتظارات بود که دولت اردوغان ادعا کرد تلاش‌های زیادی کرده است تا وضعیت کردها را بهبود بخشد. اما ناظران سیاسی همواره معتقد بوده و هستند که اگر دولت عدالت و توسعه در پیش‌نویس قانون اساسی نتواند نگرانی کردها را از بین ببرد و به نوعی در حل این مسئله با شکست مواجه شود؛ ترکیه ممکن است بی‌ثباتی‌های داخلی را به خود ببیند همچنانکه این احتمال هم وجود دارد که توانایی این کشور را به عنوان مدلی موفق برای اعمال تغییرات دموکراتیک صلح‌آمیز در خاورمیانه تضعیف کند. به نظر می‌رسد که نخبگان ترکیه از جمله نظامیان رده بالا در خلال تحولاتی که به صورت گذرا به آن اشاره شد، به این نتیجه رسیده‌اند که مسئله کردها ضرورتاً یک مسئله سیاسی است و تنها از طریق اقداماتی که نارضایتی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کردها را برطرف

کند، به طور موثر می‌تواند حل شود. به طور خلاصه، چندین تحول ساختاری را که در آن مسئله کردها توسط بازیگران کلیدی نگریسته می‌شود، تغییر داده است. تقویت کنترل غیرنظامیان بر نظامیان در ترکیه در سال‌های اخیر برای آنکارا این امکان را فراهم کرده است تا رویکرد خود را نسبت به مسئله کردها تغییر دهد. نظامیان ترکیه در دوره‌های قبل به مثابه دولتی در دولت^۱ عمل می‌کردند، اما در دهه‌های گذشته نفوذ سیاسی آنها به دلیل تغییرات قانونی مهم از بین رفته است. تحول مهم دیگر حمایت سیاسی و نظامی آمریکا از ترکیه در درگیری‌های این کشور با PKK بوده است. تصمیم رئیس‌جمهور جورج دبلیو بوش^۲ در نوامبر ۲۰۰۷ مبنی بر حمایت نظامی از ترکیه به ویژه برای مبارزه با حملات تروریستی PKK بسیار حیاتی بوده است. از نظر سیاسی، این تصمیم؛ تردید موجود در روابط ترکیه و ایالات متحده را از بین برد و ترکیه مطمئن شد که آمریکا خود را در مواجهه ترکیه با PKK متعهد به حمایت و پشتیبانی از این کشور می‌داند. ترکیه از این طریق توانست خطوط ارتباطی PKK را مختل سازد و مانع از اجرای عملیات آنها شود. هرچند که PKK تضعیف شده است ولی هنوز هم ظرفیت حملات در مقیاس کوچک و به‌خصوص در مرزهای ترکیه را دارد. همچنین نشانه‌هایی مبنی بر تغییر گرایش کردهای عراق نسبت به PKK وجود دارد. مقامات دولت اقلیم کردستان، حملات PKK به ترکیه را به‌عنوان مانعی برای رابطه خوب با آنکارا در نظر می‌گیرند.

نود سال پس از تأسیس جمهوری ترکیه^۳، به نظر می‌رسد آنکارا در شرف تغییر پارادایمی در رویکرد خود نسبت به مطالبات کردها است. برای اولین بار در تاریخ این کشور است که اراده‌ای مبنی بر اعطای حقوق سیاسی و فرهنگی به کردها و مشارکت سیاسی آنان به جای مقابله نظامی با آنها به وجود آمده است. برای دهه‌ها ترکیه به دنبال ادغام کردهای این کشور بود که ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت کل این کشور را تشکیل می‌دهند. از نیمه دهه ۱۹۲۰ تا پایان جنگ سرد؛ آنکارا وجود قوم کرد و حقوق فرهنگی آنها را انکار می‌کرد. درگیری ترکیه با PKK که از سال ۱۹۸۴ شروع و منجر به مرگ چهل هزار نفر شد، بعد از این وقایع، ترکیه واقعیت کردها^۴ را پذیرفت و دست به

1 A State within A State

2 George. W. Bush

3 Turkish Republic

4 Kurdish Reality

اصلاحات فرهنگی زد. تغییر دیدگاه سیاسی ترکیه نسبت به حقوق سیاسی و اجتماعی کردها و بخصوص چرخش سیاسی حزب حاکم آن در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و اجتماعی کردها همزمان با برگزاری دو دوره همه‌پرسی تغییر در قانون اساسی این کشور، انتظارات فراوانی را در درون جامعه کردها بازتولید کرد. در واقع، برآیند این تغییرات اینگونه بود که حزب عدالت و توسعه در این تغییر دیدگاه و چرخش سیاسی، مسئله کردها را از یک موضوع کاملاً امنیتی خارج و به یک موضوع سیاسی تبدیل کرد. از آنجا که این چرخش، احتمالاً تأثیراتی را در رابطه ترکیه با همسایگان از جمله عراق در پی خواهد داشت، لذا مقاله حاضر با کاربردی نظری نظریه مکتب کپنهاک مبنی بر امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی و تبیین چرایی و چگونگی این مسئله پرداخته است.

سوال اصلی مقاله این است که با توجه به پیروزی‌های انتخاباتی پی در پی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، خط مشی‌های اتخاذ شده توسط این حزب در قبال کردهای این کشور، چه تأثیری می‌تواند بر رابطه ترکیه با کشور عراق بگذارد؟

فرضیه تحقیق این است که خط مشی‌های اتخاذ شده توسط حزب عدالت و توسعه در قبال کردهای این کشور منجر به کاهش آسیب‌پذیری این کشور از ناحیه داخلی و به تبع آن افزایش نفوذ ترکیه در عراق و گسترش رابطه با این کشور می‌شود. زیرا کشوری در داخل با مشکل تجزیه‌طلبی مواجه نباشد، ابتکار عمل بیشتری در سیاست خارجی خود خواهد داشت و ترکیه هم از این امر مستثنی نیست. البته با در پیش بودن فراندوم استقلال‌طلبی کردستان عراق در آینده‌ای نه چندان دور، این فرضیه احتمالاً می‌تواند به شکل دیگری بازنمود یابد. اما فعلاً نمی‌توان دست به پیش‌بینی زد و تا آن زمان باید در انتظار تحولات تازه‌تری بود. به این مفهوم که برگزاری فراندوم استقلال در کردستان عراق، چه بازتابی در منطقه خواهد داشت و واکنش رهبران ترکیه نسبت به این رویداد چه خواهد بود؟ آیا رهبران سیاسی حزب عدالت و توسعه به راحتی این رویداد را می‌توانند در هاضمه تاریخی خود فروخورند یا مجبور به واکنش‌های تند از نوع تهدید یا اقدام نظامی خواهند شد؟ فعلاً در شرایط حاضر بحث خاصی نمی‌توان مطرح کرد، اما این پیش‌بینی نیز خلاف انتظار نخواهد بود که در صورت انجام همه‌پرسی و فراندوم

در کردستان عراق، خشم دوباره ترک‌ها نسبت به جنیت کردها در هراس از تعمیم و گسترش حرکت جدایی‌طلبی برانگیخته خواهد شد.

۱. چارچوب نظری؛ امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن

یکی از مفاهیم بسیار مهم در مطالعات امنیتی که مورد توجه مکتب کپنهاگ بوده و توسط نظریه‌پردازان این مکتب وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد، مفهوم «امنیتی‌سازی»^۱ و غیرامنیتی‌سازی^۲ است. امنیتی ساختن به فرایندی گفته می‌شود که به قرار گرفتن پاره ای از موضوعات در چارچوب امنیت منجر می‌شود؛ درحالی‌که قبلاً در این حوزه قرار نداشته است. ویور در مقاله «امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن»^۳ با الهام از نظریه زبان‌شناختی، امنیت را یک حرکت کلامی^۳ می‌خواند و معتقد است که حرکت زبان و بیان مطلب توسط گوینده است که امنیت را تعریف می‌کند (هرسیچ و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). به عبارت دیگر، امنیتی ساختن به منزله سیاسی ساختن بیش از حد مسائل و پی ریزی بنیاد بین‌ذهنی یک تهدید وجودی با برجستگی کافی برای داشتن پیامدهای سیاسی قابل ملاحظه است. در گفتمان امنیتی یک مسأله بزرگ جلوه داده می‌شود و به منزله بالاترین اولویت عرضه می‌شود و با اطلاق واژه امنیت بر آن، دولت ادعا می‌کند برای برخورد با آن نیاز و حق به کارگیری ابزارهای فرامعمولی دارد (هرسیچ و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). باری بوزان قائل به وجود ابعاد متعددی برای امنیت بوده و معتقد است که امنیتی‌کردن دلالت بر این دارد که چه بسا ما از هر تهدید ساده‌ای، یک تحلیل امنیتی بیرون آورده و بدین ترتیب، تهدیدات - ولو ساده و پیش پا افتاده را - تا سطح ملی و تهدید امنیتی بالا ببریم. برای پرهیز از این آفت که خود به تضعیف امنیت ملی منجر شده و یک تهدید به حساب می‌آید، لازم است معیار مشخصی برای تمیز تهدید امنیت ملی از غیر آن داشته باشیم. پس از وضع چنین معیارهایی است که می‌توان تهدیدات امنیتی را از غیر آن جدا ساخت و بدین ترتیب به «غیرامنیتی‌کردن»^۳ مسائل و موضوعات غیراساسی مبادرت ورزید (بوزان، ۱۳۷۹: ۹۱).

1 Securitization
2 De securitization
3 Speech Act

لان هانسن^۱ معتقد است که وضعیت غیرامنیتی چهار برونداد دارد که شامل (۱) تغییر از طریق تثبیت^۲، (۲) تغییر از طریق جایگزینی^۳، (۳) تغییر از طریق بازمفصل‌بندی^۴ و (۴) تغییر از طریق خاموشی^۵ است. غیرامنیتی‌سازی به عنوان یک تغییر از طریق تثبیت، به وضعیتی اشاره دارد که در آن شواهدی از تغییر صریح و روشن در گفتمان امنیتی از طریق فرایندی تدریجی وجود دارد. جایگزینی به فرایندی اشاره دارد که در آن یک مسأله از زمینه امنیتی مطالعه حذف شده؛ درحالی که مسأله دیگری امنیتی شده است. بازمفصل‌بندی به عمل حرکت یک موضوع به خارج از قلمرو امنیتی از طریق ارائه راه حل‌های سیاسی به صورت فعال برای مقابله با تهدید در مسائل مورد سؤال، و در نتیجه، پرداختن به منبع بسیاری از منازعات اشاره دارد. در نهایت، خاموشی به وضعیتی اشاره می‌کند که در آن یک مسأله یا حذف شود یا قادر به ثبت شدن در ذیل گفتمان امنیتی نباشد (Yandry, 2013: 5) بوزان اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که یک تهدید در سه حالت می‌تواند عمل‌کند: اول: وضعیتی که تهدید وجود دارد و ابزار مقابله آن در دست نیست، که از این وضعیت با واژه «نامنی» یاد می‌شود؛ دوم: تهدید وجود دارد؛ اما ابزار مقابله با آن هم هست؛ در اینجا امنیت حاکم است نه نامنی؛ سوم: توصیه امنیتی مکتب کپنهاگ این است که باید تلاش شود به هر شیوه ممکن، موضوعات از حالت «امنیتی بودن» خارج شوند و به حوزه‌های دیگر انتقال یابند. سیاست موفق آن است که بتواند موضوعات را از فضای امنیتی خارج و به فضای سیاسی و غیر آن وارد سازد (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۴)

1 Lane Hansen
2 Change through stabilization
3 Replacement
4 Rearticulating
5 Silencing

۲. پیشینه تاریخی:

۲-۱. فرآیند صلح ترکیه با پ ک ک

تقریباً از سی میلیون کرد در خاورمیانه نصف آن‌ها در ترکیه زندگی می‌کنند. کردها همچنین اقلیت قابل توجهی در کشورهای همسایه یعنی ایران، عراق و سوریه هستند. اغلب فلسطینی‌ها به عنوان ملت بی‌دولت^۱ شناخته شده‌اند ولی کردها که جمعیت‌شان بیشتر از فلسطینی‌ها است (به عنوان یکی از فاکتورهای دولت - ملت) و یا بزرگ‌ترین جامعه قومی در منطقه که به دنبال تعیین سرنوشت ملی خود^۲ در منطقه هستند. بنابراین آینده ترکیه و البته شمال خاورمیانه متأثر از مطالبات ملی‌گرایی کردها خواهد بود (Taspinar and Tol, 2014: 1). در طول ده سال گذشته؛ ترکیه راه درازی را در اعطای بعضی حقوق فرهنگی به اقلیت کردهای خود پیموده است. برای مثال دولت که مالک رادیو و تلویزیون ترکیه بود، اکنون در چارچوب تغییر رویکرد خود مبنی بر غیرامنیتی‌سازی، شبکه تلویزیونی راه انداخته است که به زبان کردی پخش می‌شود. همچنین اکنون امکان یادگیری زبان کردی به‌عنوان زبان انتخابی در مدارس دولتی امکان‌پذیر می‌باشد (Taspinar and Tol, 2014: 2).

مذاکره با کردها راهبردی با ریسک بالا و پاداش بالا برای نخست‌وزیر رجب طیب اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه AKP می‌باشد. راهبرد غیرامنیتی‌سازی بیانگر آن است که حل مسئله کردها در داخل از طریق خاتمه بخشیدن به آن از طریق توافق صلح‌آمیز با PKK باعث خواهد شد تا آنکارا در سیاست خارجی خود و به ویژه در رابطه با عراق و سوریه دست بالا را داشته باشد (Taspinar and Tol, 2014: 2). برای مثال در شمال سوریه؛ PKK با حزب اتحاد دموکراتیک کرد^۳ متحد شده و با رادیکالیست‌های اسلام‌گرا مبارزه کرده‌اند. طبق گفته‌ها، ترکیه از گروه‌های جهادی^۴ در مقابل PKK حمایت می‌کرده است. این حمایت از ایده «دشمن دشمن من، دوست من است»^۵ برمی‌خیزد که در صورت توافق صلح ترکیه با PKK و همکاری میان آنها، این

1 Nation without a State
2 National Self- Determination
3 Kurdish Democratic Union Party
4 Jihadist Groups
5 Enemy of my Enemy is my Friend

حمایت نیز از بین خواهد رفت. سال‌ها PKK از کوه‌های امن قندیل در کردستان عراق برای حمله به خاک ترکیه استفاده می‌کرده است. اکنون ترکیه قراردادهای چندگانه انرژی با دولت اقلیم کردستان در اربیل^۱ دارد. نیاز به انرژی و اقتصاد در حال رشد این کشور؛ ترکیه را ملزم می‌سازد تا همکاری محکم‌تری با کردستان عراق داشته باشد. هنوز وجود PKK در این منطقه پتانسیل این را دارد که روابط اقتصادی و سیاسی در حال رشد میان آنکارا و اربیل را دچار اختلال سازد. برای کاستن از وابستگی در بخش انرژی به ایران و روسیه؛ AKP دلیل محکمی برای جلوگیری از PKK برای به چالش کشیدن و تبدیل شدن به عامل ناکامی در رابطه با کردستان عراق دارد.

توازن میان خواسته‌های کردها و نگرانی‌های ملی‌گرایان ترکیه؛ بزرگ‌ترین مشکل AKP خواهد بود. به همین ترتیب، AKP نیاز به مدیریت انتظارات به اوج رسیده کردها دارد. چراکه نگرانی‌هایی در مورد اینکه اگر انتظارات کردها به طور کامل برآورده نشود؛ ممکن است خشونت‌هایی که هرگز قبلاً از کردها دیده نشده، سرزنند (Taspinar and Tol, 2014: 2). فرآیند صلح میان دولت آنکارا و ملی‌گرایان کرد در اکتبر ۲۰۱۲ با بیانیه اوجالان مبنی بر پایان دادن به درگیری نظامی با دولت ترکیه توسط PKK و شروع گفت و گوهای مستقیم با دولت آنکارا آغاز شد. در مارس ۲۰۱۳، عبدالله اوجالان فرمان آتش‌بس را به طرفداران خود صادر کرد و در آوریل همان سال، فرمانده شاخه نظامی PKK از تعهد خود مبنی بر خروج جنگجویان از خاک ترکیه خبر داد که این کار در می ۲۰۱۳ شروع شد (Smith, 2013: 6).

به‌طوری‌که دولت اردوغان در به پایان رساندن وضعیت موجود بسیار مصمم به نظر می‌رسید. چراکه از پارلمان خواست تا هر چه سریع‌تر بسته دموکراتیک^۲ را که شامل بهبود وضعیت آموزش به زبان کردی، قوانین مربوط به تروریسم و کاهش کسب حد نصاب ده درصد در انتخابات توسط احزاب سیاسی برای ورود به پارلمان بود، تصویب کند. به عنوان بخشی از فرآیند سه مرحله‌ای برای پایان دادن به درگیری‌ها و پیدا کردن راه حلی سیاسی، در مارس ۲۰۱۳ عبدالله اوجالان، طرفداران خود را به "خاموش کردن

1 Erbil

2 Democratization Package

سلاح‌های^۱ خود و عقب‌نشینی از خاک ترکیه دعوت کرد. این گام (آتش‌بس توسط PKK و روی آوردن به مکانیسم پارلمان) اولین مرحله از فرآیند سه مرحله‌ای بود که توسط PKK باید برداشته می‌شد. در مرحله دوم می‌بایست قوانین لازم توسط پارلمان برای اعطای حقوق و خواسته‌های کردها باید تصویب شود. مرحله سوم هم شامل آزادی زندانیان کرد و تلاش برای پیدا کردن راه حلی برای آینده پارتیزان‌ها و جذب آنها در قالب بازیگری سیاسی در ترکیه می‌شد (Villemas, 2014: 5).

۲-۲. پیش‌زمینه‌های صلح در ترکیه

فاکتورهای داخلی که راه را برای شروع گفت و گو هموار کردند، همچنین می‌توانند برای ادامه گفت‌وگوها هم موثر باشند. این شرایط عبارتند از: پذیرش مسئله عدم تسلط نظامیان بر سیاست توسط تمام احزاب، پذیرش گفت و گوهای صلح و اصلاحات دموکراتیک به عنوان پاسخی مناسب به تبعیض تاریخی در مقابل کردها در ترکیه از سوی بازیگران اصلی سیاسی، پذیرش این مسئله توسط PKK که گزینه نظامی راه حل مناسب برای حل این مسئله نمی‌باشد و پذیرش توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در دهه اخیر.

فاکتورهای بین‌المللی و منطقه‌ای هم در این فرآیند موثر بوده‌اند. این فاکتورها عبارتند از: منزوی شدن PKK در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری کشورهای منطقه برای مبارزه با تروریسم، عدم مشروعیت بین‌المللی PKK و تجربه تلخ پارتیزان‌ها در کشورهای دیگر (برای مثال تجربه ببرهای تامیل^۲ در سری لانکا^۳ و گفت و گوی میان دولت کلمبیا و نیروهای مسلح انقلابی جنبش پارتیزانی کلمبیا (6 : 2014, Villemas)). البته مسائل دیگری در مورد سیاست‌های حزب عدالت و توسعه تحت رهبری اردوغان در قبال کردهای این کشور وجود دارد. اول اینکه خیلی از پژوهشگران بر این باور هستند که هدف اردوغان از سیاست‌هایی که اتخاذ کرده بود، انتخابات جولای ۲۰۱۴ ریاست جمهوری در این کشور بود. دوم اینکه چهره بین‌المللی اردوغان شدیداً بعد از قضیه پارک گزی^۴ در استانبول^۱، تابستان ۲۰۱۳ به دلیل گرایش‌های اقتدارگرایانه‌اش در این

¹ Silence Weapons

² Tamil Tigers

³ Sri Lanka

⁴ Gezi Park

قضیه آسیب دیده است و نحوه برخورد او با خواسته‌های PKK در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. همچنین تفرقه در جبهه کردها که ریشه‌ای عمیق در تاریخ این قوم دارد؛ مسئله‌ای دیگر است. با این حال، آنکارا به دنبال رابطه خوب با مسعود بارزانی رئیس دولت اربیل در دولت منطقه‌ای کردستان عراق است. بارزانی و PKK قبلاً موارد اختلاف زیادی داشته‌اند و اینکه سوال‌های جدی در مورد ماهیت تغییرناپذیر PKK وجود دارد. همچنین هرچند که عبدالله اوجلان قدرتمند هست ولی ممکن است او بر تمام شاخه‌های PKK (اروپا، عراق، سوریه و ایران) نفوذ نداشته باشد.

فرآیند فعلی بر این فرض بنا شده است که اوجلان تسلط کامل بر PKK دارد. با این فرض راه برای مذاکره باز شده است، ولی در صورتی که چنین نباشد و اوجلان نتواند تسلط کامل بر PKK داشته باشد، این امر می‌تواند مانع بالقوه‌ای در پیش برد مذاکرات باشد. با وجود این چالش‌ها، تردیدی وجود ندارد که این فرآیند مهم‌ترین فرصت برای تمام اطراف درگیر در آن است. عواملی مثل موضع قدرتمند AKP در پارلمان ترکیه، عدم وجود نظامیان قدرتمند در سیاست ترکیه که مانع اقدامات صلح شوند، اراده ترکیه بر همکاری با اربیل و PKK به دلایل اقتصادی و سیاسی و شخصیت قدرتمند رهبر حزب عدالت و توسعه یعنی اردوغان فضای خوش‌بینانه‌ای برای تحولات آینده فراهم کرده است. با این زمینه‌ها، بیادآوری این اقدام عبدالله اوجلان در بیانیه مارس ۲۰۱۳ لازم است که از هوادارانش خواست تا به درگیری‌های نظامی با دولت ترکیه پایان دهند و به دنبال راه‌حل دموکراتیک برای مسئله کردها باشند. اما این پرسش همچنان باقی است که صلح میان زمامداران ترکیه و کردها در چه صورت محقق خواهد شد؟

فرآیند صلح مبتنی بر سه مرحله است: اول؛ عقب‌نشینی جنگجویان از ترکیه، دوم؛ دولت ترکیه اصلاحات لازم را برای رفع نگرانی‌های کردها انجام دهد و سوم؛ ادغام دوباره اعضای PKK در جامعه ترکیه (Abramowitz and Edelman, 2013: 21).

فرآیند صلح می‌تواند گامی مهم در دموکراسی فراگیر و بهبود حقوق بشر در ترکیه باشد. همچنین این فرآیند می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی در شکل‌دادن به منطقه داشته باشد. به عبارت دیگر، این فرآیند راه را برای ترکیه جهت رابطه سازنده با کردهای سوریه و

حتی برقراری ارتباطی محکم‌تر با دولت اقلیم کردستان باز می‌کند (Abramowitz and Edelman, 2013: 21). ستون‌نویس ترکیه‌ای، چنگیزچاندار^۱ در این رابطه پرسیده بود که آیا اردوغان با دست برتر برای دموکراتیزاسیون گسترده‌تر برای حل مسئله کردها که برای او امتیازات زیادی به‌ویژه در این روزهای سخت حرفه سیاسی‌اش (منظور تحولات پارک گزی و انتخابات ریاست جمهوری است) دارد؛ اقدام خواهد کرد یا دست برتر او را به توقف اصلاحاتی که کردها را قانع می‌کند؛ تشویق خواهد کرد (Candar, 2013: 2). به‌هرحال، مقامات AKP امیدهای فزاینده‌ای برای بسته‌اصلاحی خود ایجاد کردند که تعهد به «تداوم انقلاب خاموش»^۲ را به‌عنوان مرحله‌ای جدید و قطعی در دموکراتیزاسیون این کشور و فراگیرترین اصلاحات که جامعه ترکیه تاکنون به خود دیده است؛ تحسین کرده‌اند.

به نظر می‌رسد مسئله کردها در ترکیه مسئله‌ای پیچیده و چندوجهی است. این مسئله بیش از آن که موضوعی امنیتی باشد، مسئله‌ای سیاسی درباره دموکراتیزاسیون، حقوق و آزادی‌های اساسی و شناسایی حقوق فرهنگی این قوم است. یک راه حل صلح‌آمیز برای این مسئله طولانی‌نیازمند در نظرگرفتن جوانب سیاسی، اجتماعی و منطقه‌ای آن می‌باشد. مسئله مهم این است که بر اساس نظرسنجی‌ها، اکثر مردم ترکیه با تقاضای کردها برای اعطای حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... به آن‌ها مخالفت نمی‌کنند و مانعی برای فرآیند صلح نمی‌شوند. مهم است گفته شود که مسئله کردها در ترکیه وسیع‌تر از شورش‌های PKK (که عموماً به عنوان یک مسئله امنیتی در نظر گرفته می‌شود) می‌باشد. مسئله کردها یک مسئله طولانی است که به دهه ۱۸۵۰ یعنی زمانی برمی‌گردد که رهبران قبیله‌ای کردها در مقابل تلاش‌های مدرنیزاسیون و مرکزیت‌گرایی دولت عثمانی^۳ شورش کردند. در طرف دیگر PKK یک جنبش جدایی طلب مسلح است که در نیمه دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد و تا به امروز فعال بوده است.

در طول جنگ آزادسازی ترکیه^۴ در اوایل دهه ۱۹۲۰، ترک‌ها و کردها در کنار هم در مقابل دشمن جنگیدند. به رهبران قبیله‌ای کردها قول خودمختاری منطقه‌ای و شناسایی

¹ Cengiz Candar

² Continuation of the silent revolution

³ Ottoman Government

⁴ Turkey's War of Liberation

توسط دولت جمهوری تازه تأسیس در آنکارا داده شده بود. این وعده‌ها عملی نشد و مردم منطقه کردنشین در مقابل دولت آنکارا در سال ۱۹۲۵ شورش کردند. این شورش به شدت سرکوب شد، اما بیست مورد مشابه در پانزده سال بعد از آن نیز اتفاق افتاد. دولت جمهوری جوان دو نوع پاسخ به درخواست و شورش کردها تدبیر کرد. در یک سو، آتاتورک و اینونو^۱ که نزدیک‌ترین فرد به او بود، در منطقه قانون نظامی^۲ و نقل مکان اجباری ده‌ها هزار خانواده را اعلام و غرب ترکیه و کمپین ترکی‌سازی^۳ در مقابل جامعه کرد را به کار گرفتند. این رویکرد در دوره دیکتاتوری نظامی^۴ زمانی به اوج رسید که این دولت جنگ سیاسی^۵ در مقابل «آنهايي که فکر می‌کنند کرد هستند»^۶، اعلام کرد. در دیگر سو، جلال بایار^۷ نخست‌وزیر و رئیس جمهور بعدی در دوره چندحزبی از رویکردی مدنی با تأکید بر اقدامات اعتدالی از جمله تجدیدنظر در سیاست‌ها و توجه به نیازهای شهروندان دفاع می‌کرد. این دوگانگی در سیاست‌های کردی ترکیه تا به امروز ادامه داشته است.

شکی وجود ندارد که بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، تغییرات زیادی در وضعیت فرهنگی و سیاسی کردهای ترکیه اتفاق افتاده و موجب بهبود وضعیت آنها شده است. بعضی از این اصلاحات، در واقع ادامه سیاست‌هایی است که توسط دولت ائتلاف قبل از AKP اتخاذ شده بود. سیاست‌هایی مثل ترک وضعیت اضطراری، عفو و تخفیف در مجازات بسیاری از اعضای بازداشت شده PKK، کمک و حمایت از کردهایی که به اجبار خانه‌های خود را ترک کرده بودند، جهت بازگشت به خانه‌های خود؛ در دولت ائتلاف اتخاذ شده بودند. فراتر از این اقدامات، حزب عدالت و توسعه مبادرت به اتخاذ سیاست‌هایی در جهت دموکراتیزاسیون نموده است که موجب بهبود وضعیت حقوق بشر در ترکیه و گسترده‌تر شدن حوزه آزادی بیان و تشکیل اجتماعات گردیده است. به علاوه قوانینی توسط AKP ایجاد شد که اجازه مواردی مانند پخش

¹ Inonu

² Martial Law

³ Turkification Campaign

⁴ Military Junta

⁵ Political War

⁶ Those who think they are Kurds

⁷ Celal Bayar

محدود تلویزیون کردی، دوره‌های آموزش زبان کردی^۱ در مدارس خصوصی و برخی اقدامات دیگر از جمله آنهاست. شاید مهم‌ترین مورد اجازه پخش تلویزیون ملی کردی بیست و چهار ساعته (TRT 6)^۲ در سال ۲۰۰۹ باشد. همچنین روند آموزش دوره‌های زبان کردی در چندین دانشگاه با شروع آن در دانشگاه بیلگی^۳ آغاز شده است. علاوه بر اینها ممنوعیت استفاده از زبان کردی در مبارزات سیاسی و ... نیز برداشته شده است (BAHCHELI, 2012: 10).

تمام این اصلاحات نمود بسیار روشن از تغییر رویکرد سیاسی رهبران ترک در فهم و تحلیل جایگاه اقلیت کردها است که با تأکید بر ضرورت غیرامنیتی‌سازی موجودیت و حیا تسیاسی و اجتماعی کردها، امیدها را برای حل مسئله کردها در ترکیه افزایش داده است. علاوه بر این، این اصلاحات موجب شده است تا AKP بتواند کرسی‌های بیشتری را در انتخابات مختلف کسب نماید. بی‌شک هیچ حزبی به اندازه حزب عدالت و توسعه برای بهبود وضعیت کردها در ترکیه نکوشیده است. با وجود مخالفت‌های گروه‌های مخالف اعطای حقوق به کردها و به ویژه کمالیست‌ها و نظامیان وابسته به این حزب، حزب عدالت و توسعه توانسته است به این حد از اصلاحات و بهبود وضعیت کردها دست یابد. البته نباید از این نکته غافل شویم که سیاست‌ها و اقدامات حزب عدالت و توسعه در قبال کردها عاری از اشتباه و ضعف نبوده است. یکی از بخش‌هایی که تغییر در آن قابل توجه بوده است، عبارت از ماهیت هویت و حقوق کردها است. موضوعاتی که قبلاً تابو بودند، اکنون آشکارا مورد بحث قرار می‌گیرند. به ویژه عقیده دولت مستقل کرد^۴ در ترکیه، بسیار در رسانه‌ها مورد بحث و نظر قرار می‌گیرد. بعد از دهه‌ها ممنوعیت استفاده از واژه کرد^۵، اکنون این واژه توسط مقامات دولتی و همچنین رسانه‌ها استفاده می‌شود. همچنین زبان کردی که برای دهه‌ها ممنوع بود، اکنون در وضعیت دموکراتیک، این زبان صدای مشروعی می‌باشد.

1 Kurdish Language
2 Kurdish National Tv Broadcasting
3 Bilgi University
4 Independent Kurdish State
5 Kurd

۳-۲. تغییر قانون اساسی ترکیه

اکثریت وسیعی از مردم ترکیه موافق جایگزین شدن قانون اساسی جدید و لیبرال تر و دموکراتیک تر از قانون اساسی نظامیان هستند که در سال ۱۹۸۲ نوشته شده است. اصلاحیه‌های مختلف به قانون اساسی سال ۱۹۸۲ از جمله اصلاحیه قابل توجه دوازده سال پیش و البته اصلاحیه مربوط به سال ۲۰۱۰ که هنوز هم به حال خود رها شده است. قانون اساسی سال ۱۹۸۲ برای حل مسئله کردها تلاش کرد تا وانمود کند که این مسئله وجود ندارد. حتی درخواست اعطای قدرت به کردها در سطحی بسیار پایین در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ می توانست خیانت قلمداد شود، همچنان که موارد بسیاری را می توان مثال زد.

قانون اساسی سال ۱۹۸۲ ترکیه، متنی غیر دموکراتیک برای محکم کردن ساختارهای حکومتی اقتدارگرا و مراکز نظامی و بروکراتیک می باشد. از زمان تصویب تاکنون، ۱۸ بار و با لحاظ همه‌پرسی ۲۰۱۷، ۱۹ بار مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحیه‌هایی به آن افزوده شده است. ولی با این وجود هنوز هم روح اقتدارگرایی قانون اساسی ۱۹۸۲ و تأمین اقتدار حکومت به جای آزادی و حقوق باقی مانده است. در طول مبارزات انتخابات ملی سال ۲۰۱۱، اکثر احزاب قوی در ترکیه، تغییر قانون اساسی را به عنوان اولویتی مهم در برنامه های خود در صورت پیروزی اعلام کردند. حزب عدالت و توسعه اعلام کرد که کار بر روی قانون اساسی جدید، اولین اولویت خود بعد از انتخابات خواهد بود. انتخابات ۲۰۱۱ که با مشارکت ۸۷ درصدی مردم همراه بود، منجر به سومین پیروزی پی در پی حزب عدالت و توسعه شد (Keyman and Kanci, 2012:204). قانونی که در سال ۱۹۸۲ نوشته شد، مبتنی بر حکومت قانون^۱ در این کشور نبود، بلکه به جای آن، ترکیه را به کشور قوانین^۲ تبدیل کرد. این قانون اساسی یکی از موانع اصلی در حل مسئله شهروندان کرد در ترکیه چه در بعد پاسخ به تقاضاهای مشروع آن ها و چه در بیان تمایزات فرهنگی کردها در ترکیه و چه در بعد ادعای داشتن هویتی متفاوت از هویت ترکهاست (Thorp, 2011: 5).

1 Rule of Law

2 country of laws

بعد از انتخابات، فرآیندی سه مرحله‌ای برای پیش نویس قانون اساسی تدبیر شد. مرحله اول ایجاد کمیسیون پارلمانی^۱ برای بحث های اجتماعی و در واقع تدوین قانون اساسی مدنی به منظور استحکام بخشیدن به ماکراسی و فرهنگ زندگی در کنار هم و پذیرش تنوع و مشارکت اجتماعی، مرحله دوم پیش نویس قانون اساسی جدید توسط کمیسیون و مرحله سوم، بحث عمومی پیرامون پیش نویس قانون اساسی و ایجاد تغییرات لازم توسط کمیسیون و ارسال آن به کمیته تخصصی قانون اساسی^۲ و در نهایت ارجاع به مجمع عمومی^۳ برای موافقت پارلمانی بود.

یک کمیته اختصاصی آشتی قانون اساسی^۴ با تعداد مساوی اعضا (سه عضو برای هر حزب) برای چهار حزب سیاسی در پارلمان (حزب عدالت و توسعه (AKP)، حزب خلق جمهوری (CHP)، حزب جنبش ملی گرا (MHP)، و حزب صلح و دموکراسی (BDP) تشکیل شد. بر خلاف سایر کمیته های اختصاصی، کمیته آشتی قانون اساسی در سلسله نشست هایی از اکتبر ۲۰۱۱ به بعد قوانین و رویه های مربوط به خود را تهیه کرد (Thorp, 2011: 5). کمیته آشتی فرآیندهای مشورتی را با گروه های مدنی، بخش های دولتی و اشخاص از طریق وب سایت خود ایجاد کرد. همچنین کمیته جلسات بسیاری برگزار کرده که در بسیاری از آن ها نماینده گروه های اقلیت هم حضور داشته اند. مرحله دوم (بحث و پیش نویس قانون اساسی) در می ۲۰۱۲ شروع شد. در طول فرآیند نوشتن، بحث پیرامون موضوعات چالش برانگیز (برای مثال فصل مربوط به شهروندی) به بحث های بیشتری ماکول شد. هر چند که قرار بود نوشتن پیش نویس تا پایان سال ۲۰۱۲ خاتمه یابد، در اوایل ژانویه ۲۰۱۳، کمیته موافقت کرد تا به نوشتن قانون اساسی ادامه دهد (Thorp, 2011: 5).

اکنون بسیاری از کردها مسئله را به عنوان مسئله کردها در ترکیه در نظر نمی گیرند، بلکه سال هاست که بسیاری از آن ها بر این اعتقاد بوده اند که ترکیه مسئله دموکراسی دارد. در واقع باید گفت که ترکیه به مثل سایر دموکراسی های انتخابی، مسئله لیبرالیسم دارد (Fevzi bilgin, 2012: 13-14).

1 Parliamentary Commission
2 Standing Constitution Committee
3 General Assembly
4 Constitution Conciliation Committee

۳. بازیگران عمده در تحولات کردها

سه بازیگر برجسته با جهان بینی مختص خود و راه حل های ترجیحی خود در این مسئله درگیر هستند: AKP، PKK و نظامیان ترکیه. بر طبق خواسته PKK، دولت ترکیه باید با اوجالان و یا دیگر مقامات PKK گفتگو نماید و با اعطای حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به کردها ادامه یافته و منجر به تشکیل حکومت خودمختار کردی^۱ شود. راه حل AKP برآورده کردن تدریجی خواسته کردها در چارچوب فرآیند الحاق به اتحادیه اروپا^۲ و معیارهای کپنهاگ^۳ و تقویت پیوندهای اسلامی میان کردهای ترکیه و دیگر بخش های جامعه و منزوی کردن PKK به لحاظ داخلی و بین المللی می باشد. نظامیان ترکیه به سهم خود، راه حل این مسئله را استفاده از ابزارهای نظامی در مقابل PKK و اعطای حقوق فردی به شهروندان کرد می دانند (Bezci, 2009: 1-2).

نظامیان ترکیه همیشه در نهادهای دولتی نفوذ زیادی داشته اند، این نفوذ بیشتر به دلیل نقش نظامیان به عنوان موسس و مدرن کننده جمهوری ترکیه است. به ویژه در مورد مسائل به اصطلاح خط قرمز مانند جدایی طلبی کردها، قبرس و روابط با یونان، نظامیان با استفاده از ابزارهای مختلف درصدد ادامه تسلط خود بر این مسائل هستند. از نظر نظامیان، کردها نمی توانند به عنوان گروه قومی مشروع شناسایی شوند (3: 2009, Bezci). بنابراین، حزب عدالت و توسعه در به سرانجام رساندن فرآیند صلح با PKK مجبور به جلوگیری از دخالت نظامیان در این مسئله می باشد که بی شک به راحتی از خواسته های خود صرف نظر نخواهند کرد.

تلاش هایی که تاکنون ترکیه برای منزوی کردن PKK در عرصه داخلی و بین المللی داشته، موجب آسیب ماهوی PKK شده است. برای مثال PKK دارای پناهگاه های امن در شمال عراق و حلقه ارتباطی قوی با حزب راه حل دموکراتیک کردستان^۴ می باشد. دولت منطقه ای کردستان در عراق، این حزب را از شرکت در انتخابات منطقه ای ممنوع کرده است. به علاوه هنگامی که در چهارم فوریه سال ۲۰۰۹، دپارتمان خزانه داری

1 Autonomous Kurdish State

2 EU Accession Process

3 Copenhagen Criteria

4 Kurdistan Democratic Solution Party (Partiya Çareseriya Demokratik a Kurdistan – PCDK)

آمریکا، شاخه ایرانی PKK یعنی پژاک^۱ را در لیست سازمان های تروریست قرار داد، ضربه جدی دیگر به وجهه بین المللی PKK وارد شد (Bezci , 2009: 2).

در همین حال، مقامات PKK تمام تلاش خود را برای وادار کردن دولت آنکارا به مذاکره با آن ها کرده اند. از نظر آن ها قدم اول در حل مسئله بر عهده آنکاراست تا با حزب جامعه دموکراتیک^۲ که به عنوان نماینده سیاسی مشروع PKK شناخته می شود، مذاکره کند. قدم دوم عفو فراگیر تمام اعضای دستگیر شده PKK از جمله اوجالان می باشد. قدم سوم و آخر، تشکیل دولت فدرال در بخش جنوب شرقی ترکیه، مرکز سنتی جمعیت کردهای ترکیه، است (Bezci , 2009: 2).

برای باقی ماندن در مسیر عضویت در اتحادیه اروپا، ترکیه باید معیارهای کپنهاگ را اجرا کند. AKP به خوبی از اینکه مسئله جایگاه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کردها در ترکیه با فرآیند تدریجی الحاق به اتحادیه اروپا حل خواهد شد، آگاه است. همچنین باید افزود که حزب عدالت و توسعه به این مسئله که حتی با وجود اجرای معیارهای کپنهاگ، جامعه کرد به طور کامل از PKK رویگردان نخواهد شد، واقف است. به همین دلیل دولت ترکیه رویکرد امت اسلامی^۳ با هدف تقویت پیوندهای مشترک اسلامی در قبال جامعه کردها را در پیش گرفته است (Bezci , 2009: 3).

به نظر می رسد این ادعا که دولت عدالت و توسعه از طریق رویکرد اسلامی خواهان حل این مسئله باشد، ادعای نادرستی است؛ چرا که اکثریت کردها پیرو مکتب شافعی^۴ و اقلیت بسیار کمی علوی^۵ هستند، در حالی که دولت ترکیه بیشتر حامی مکتب حنفی^۶ است و فهم آن ها از اسلام موارد اختلافی زیادی دارد.

در انتخابات ۲۲ جولای ۲۰۰۷، حزب عدالت و توسعه توانست میزان رای خود را از مناطق شرقی و جنوب شرقی ترکیه (مناطق که سنتا احزاب کردی بیشترین رای را نصیب خود می کردند) به دو برابر افزایش دهد (۵۴ درصد در سال ۲۰۰۷، ۲۷،۲۹ درصد در انتخابات سال ۲۰۰۲). یک دلیل برای موفقیت حزب عدالت و توسعه در بالا

1 (Partiya Jiyana Azad a Kurdistan – PJAK the Free Life Party of Kurdistan

2 Democratic Society Party (Demokratik Toplum Partisi – DTP

3 Islamic Uma

4 Shafi'i school

5 Alevi

6 Hanafi school

بردن میزان محبوبیت خود در میان استان های کردنشین، رویکرد باز و مدارا در مورد مسئله کردهاست. همچنین گفته می شود که گروه های مذهبی و به ویژه ترتیبات صوفی نقش بندی^۱ نقش مهمی در این مسئله دارند. نقش بندی که سازمان یافته ترین گروه اسلامی در منطقه کردنشین ترکیه است، به شدت حزب جامعه دموکراتیک کرد^۲ را مورد انتقاد قرار داده است. به عقیده بسیاری از ناظران این انتقادات ضربه جدی را بر این حزب وارد ساخته است. به علاوه، به دلیل خودداری از محکوم کردن عملیات تروریستی PKK و ارتباط با این گروه، تحت انتقادات شدیدی قرار گرفته است (Rabasa and Larrabee, 2008:67 - 68). از سال ۱۹۸۴ به بعد، PKK جنگ پارتیزانی در جنوب شرقی ترکیه و همچنین تروریسم شهری را در جاهای دیگر کشور راه انداخته است. وزارت خارجه دولت آمریکا در سال ۱۹۹۶، PKK را به عنوان سازمان تروریست خارجی^۳ شناخت (Migdalovitz, 2010: 14).

به طور سنتی، دو رویکرد در قبال مسئله کردها در ترکیه وجود دارد: رویکرد اول همان رویکرد امنیتی است که برپایه فهم امنیتی از موضوع شکل گرفته و بر این باور بوده است که این مسئله از خارج نشأت می گیرد و راه حل پایان دادن به آن، استفاده از نیروها و روش های نظامی است. رویکرد دیگر، رویکردی غیرامنیتی و برپایه فهم و تحلیل سیاسی است که در چارچوب توصیه های سیاستی مکتب کپنهاگ دیده و تعبیر می شود. رویکردی که معتدل تر و لیبرال تر است و مشکل را بیشتر در انکار هویت فرهنگی و قومی کرد در ترکیه می بیند و از اصلاحات سیاسی برای دموکراسی و تکثرگرایی بیشتر در ترکیه و همچنین اصلاحات اقتصادی به ویژه در بخش شرقی و جنوب شرقی ترکیه جهت بهبود وضعیت اقتصادی کردها دفاع می کند: Kirisci, 2003: (275).

با مطالعه عملکرد احزاب مختلف در ترکیه، می توان گفت که رویکرد اول متعلق به کمالیست ها و رویکرد دوم متعلق به حزب عدالت و توسعه است. رویکرد نخست برای مدت های طولانی مسلط و در عرصه تصمیم گیری در حوزه سیاست داخلی و نیز

1 Nakşibendi Sufi order

2 Kurdish Democratic Society Party (Demokratik Toplum Partisi (DTP)

3 Foreign Terrorist Organization FTO

سیاست خارجی بسیار تأثیرگذار بوده است. به هر ترتیب، بعد از دستگیری اوجالان، رویه فوق تسلط خود را بر عرصه سیاست ترکیه از دست داد. در اینجا نمی توان از نقش گسترش رابطه با غرب در بروز این تغییرات، چشم پوشی کرد. به ویژه زمانی که ترکیه به شدت خواهان پیوستن به اتحادیه اروپا بود، این رویکرد که اصلاحات سیاسی جهت فراهم کردن زمینه برای پیوستن به اتحادیه اروپا باید انجام گیرد، قوت گرفت. فاکتور مهم دیگر در این تحول، تغییر نگرش نخبگان کرد بود. نخبگان کرد که زمانی به فکر جدایی و استقلال از جمهوری ترکیه بودند، پس از تحولات سیاسی در این کشور و به ویژه روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه، تمایل خود را جهت یافتن راه حلی سیاسی در چارچوب نظام سیاسی ترکیه نشان دادند. اگرچه نگرانی ترکها از تداوم و استمرار این رویه کردها همواره با طرح ادعاهای کردستان عراق مبنی بر استقلال اقلیم کردستان زنده می شود، اما آینده تحولات اقلیم و میزان تأثیرگذاری این فرایند، در صورت جنبه عینی بخشیدن به آن توسط مقامات کرد، تعیین کننده خواهد بود.

به هر حال، با وجود حملات تروریستی PKK، اردوغان در نیمه دوم دهه اول قرن بیست و یکم، رویکرد دولت را در قبال مسئله کرد تغییر داد و سیاست "گشایش دموکراتیک"^۱ را در دستور کار دولت قرار داد. با برداشتن موانع جهت استفاده از زبان کردی، سرمایه گذاری اقتصادی و عقب نشینی نیروهای نظامی از مناطق کردنشین، اردوغان به نگرش جدید خود شکل بخشید. اردوغان، مخفیانه با رهبر زندانی شده کردها، عبدالله اوجالان و دیگر مقامات بلند پایه PKK گفت و گوهای خود را آغاز کرد. پخش نوار ضبط شده مربوط به جلسه ای میان نماینده اردوغان و نمایندگان مختلف کردها، ثابت کرد که اردوغان در پشت پرده به دنبال رسیدن به توافق با مقامات کرد است (Smith, 2013: 6).

در انتخابات عمومی ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱، حزب عدالت و توسعه توانست برای سومین بار پنجاه درصد آرا (۴۹٫۹) را کسب نماید. این اولین بار در تاریخ انتخابات ترکیه است که حزب حاکم برای بار سوم در انتخابات این کشور رای خود را افزایش داده است. اردوغان که نه سال پی در پی در قدرت بود، با این پیروزی دوباره در قدرت ماند.

1 Democratic Opening

حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲، بعد از سال های طولانی ائتلاف های ناپایدار در این کشور و کودتاهای گهگاه، به قدرت رسید. حزب عدالت و توسعه در مدت حاکمیت خود بر ترکیه توانست اقتصاد این کشور را پس از سال ها بی ثباتی و تورم و رکود به ثبات و شکوفایی برساند. انتخابات سال ۲۰۱۱ نشان داد که اقتصاد موضوع مبارزات انتخاباتی نبود بلکه موضوعات دیگری به موازات اقتصاد مطرح شدند. مسائلی مانند روابط با همسایگان، سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان، سیاست ترکیه در قبال تحولات کشورهای عربی منطقه و مسائل داخلی مانند تغییر قانون اساسی، مذاکره با مقامات PKK، بهبود وضعیت اقلیت ها در ترکیه از جمله این مسائل هستند. بعد از سال ها بی ثباتی مالی، ائتلاف های ضعیف و کودتاهای گهگاه نظامیان، تعهد حزب عدالت و توسعه به اقتصاد بازار آزاد و اصلاحات سیاسی موجب تقویت اقتصادی، ثبات سیاسی و پیشرفت در فرآیند الحاق به اتحادیه اروپا شد. کاهش نارضایتی های داخلی و پیشرفت در وضعیت بهداشت شهروندان ترکیه مطابق با استانداردهای جهانی از دیگر تحولات در عرصه سیاست ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه می باشد. در پرتو این تحولات، ترکیه توانسته است به بازیگری قدرتمند و به ویژه در بعد منطقه ای تبدیل شود. ترکیه به دنبال معرفی خود به عنوان الگویی موفق از دموکراسی اسلامی سکولار^۱ و به کارگیری قدرت نرم خود در تنش های منطقه ای و همچنین موضع گیری صریح در قبال برخی از تحولات منطقه است. احتمالاً مجری آمریکایی تلویزیون، چارلی روز^۲، درست گفت که « ترکیه نمی خواهد به سمت شرق یا غرب برود بلکه می خواهد به جلو برود» (Thorp, 2011: 2-3).

می توان گفت که اردوغان قدرتمندترین شخصیت سیاسی در تاریخ ترکیه بعد از آتاتورک است که جمهوری ترکیه را بنا نهاد. حزب عدالت و توسعه تحت رهبری او توانسته است چندین انتخابات متوالی را پیروز شود و در هر انتخابات میزان رای حزب خود را نسبت به دوره پیش افزایش دهد. به عنوان مثال، حزب او با انتصاب بشیرآتالای به عنوان جانشین نخست وزیر در امور گشایش کردی و امنیت^۳ توسط، اراده لازم این

1 Secular Islamic Democracy

2 Charlie Rose

3 Kurdish Opening And Security

حزب برای حل مسئله کردها و همچنین اولویت داشتن مسئله را به نمایش گذاشته است (Thorpe, 2011: 6). نمی‌توان انکار کرد که AKP بر دموکراتیزاسیون^۱ و استفاده از قدرت نرم به جای امنیتی‌کردن در دوره بعد از یازده سپتامبر تاکید داشته است و جالب این که حزب عدالت و توسعه در حالی این سیاست را در پیش گرفت که بعد از حادثه یازده سپتامبر، در بعد جهانی شاهد روی آوردن کشورها به امنیت به جای تأکید بر دموکراسی هستیم (Öniş and Yilmaz, 2009: 2) و چه بسا که این روند همچنان ادامه یابد.

۴. رابطه ترکیه با بغداد در پرتو رابطه این کشور با اقلیم کردستان عراق

۴-۱. سیاست ترکیه در قبال کردهای عراق

کردها، دومین بزرگترین گروه قومی در کشورهای عراق و ترکیه هستند. بعد از حمله آمریکا به عراق، منطقه پرواز ممنوع^۲ در شمال عراق برقرار شد. از زمان تأسیس منطقه پرواز ممنوع، حزب اتحاد میهن پرستان کردستان^۳، حزبی با قدمت بیست سال، با حزب دموکراتیک کردستان^۴، حزبی با قدمت پنجاه سال، بر سر تصاحب قدرت در کشمکش بوده است. در این کشمکش، حزب اتحاد میهن پرستان از ایران درخواست کمک کرده و در مواردی از کمک های ایران بهره مند شده است (Barbara Robson, 1996:1).

با برقراری منطقه پرواز ممنوع در سال ۱۹۹۱، کردها به سمت خودمختاری حرکت کردند ولی با حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و سرنگونی رژیم صدام حسین در عراق، منطقه کردستان عراق راه خود را از بقیه این کشور جدا کرد. کردها با برقراری ثبات نسبی و حمایت قدرت های فرامنطقه ای بویژه آمریکا توانستند حیطه قدرت و نفوذ خود را افزایش دهند و عملاً از جایگاه مردمی تحت ستم به مردمی توسعه طلب تبدیل شدند. بطوریکه در خلاء قدرت مرکزی قوی، با نادیده گرفتن سرزمین های ترک نشین و آشوری نشین به توسعه طلبی ارضی در شمال عراق پرداختند. تحولات اخیر و ظهور داعش موقعیتی تاریخی به کردها داد تا در اقدامی فرصت طلبانه، شهر چندملیتی کرکوک را به تصرف درآورده و آن را قلب کردستان بنامند.

1 Democratization

2 No – Fly Zone

3 Patriotic Union Of Kurdistan (Puk

4 Kurdistan Democratic Party (Kdp)

۲-۴. پایان خطوط قرمز

روابط ترکیه و دولت اقلیم کردستان در شمال عراق در سال های اخیر بسیار قابل توجه بوده است. سیاست ترکیه در قبال کردستان عراق تا سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نشأت گرفته از برخی «خطوط قرمز»^۱ بودند. ترکیه قبل از ۲۰۰۸ حاضر به پذیرش هیچ گونه خودمختاری برای کردستان عراق نبود. قبل از آن، ترکیه به غیر از برخی خودمختاری های بسیار محدود، حاضر به پذیرش هیچ نوع آزادی و خودمختاری برای کردستان عراق نبود. ترکیه در این برهه حاضر به پذیرش اختلافات ارضی موجود بین بغداد و کردستان عراق به ویژه اختلاف بر سر منطقه نفت خیز کرکوک^۲ نبود.

همچنین تا قبل از این تاریخ، آنکارا از جمعیت ترکمن های^۳ کرکوک به عنوان مانعی در برابر خواسته های کردها استفاده می کرد. علاوه بر این، ترکیه سخت تلاش می کرد تا اعراب سنی^۴ را به بازی در سیاست عراق بعد از سقوط صدام در آوریل ۲۰۰۳ تشویق کند. ترس آنکارا از اینکه استقلال کردهای عراق، الهام بخش کردهای ترکیه شود، با آزادی پ ک ک جهت حمله به ترکیه از مرزهای عراق تشدید شد.

۳-۴. شروع روابط جدید

جهت گیری جدید در روابط میان ترکیه و دولت اقلیم کردستان عراق، در اکتبر ۲۰۰۹ زمانی که وزیر خارجه ترکیه، احمد داود اوغلو^۵، دیدار ویژه ای با مسعود بارزانی^۶، رئیس دولت اقلیم کردستان عراق در اربیل^۷ داشت، آغاز شد. این دیدار به نوبه خود راه را برای افزایش روابط دیپلماتیک میان ترکیه و دولت اقلیم کردستان عراق و گشایش کنسولگری ترکیه در اربیل هموار کرد. به نظر می رسد که آنکارا با موضع آمریکا مبنی بر اینکه دولت اقلیم کردستان عراق قادر به ایفای نقش پررنگی در مبارزه با حضور پ ک ک در شمال عراق نیست، موافقت کرد.

1 Red Lines

2 Kirkuk

3 Turkmen

4 Sunni Arabs

5 Ahmet Davutoglu

6 Massoud Barzani

7 Erbil

سه فاکتور دیگر در تغییر جهت سیاست ترکیه در قبال دولت اقلیم کردستان عراق باید مدنظر قرار گیرد: اول، رویکرد «مشکلات صفر»^۱ با همسایگان و تاکید بر همکاری و گفت و گو به جای مواجهه احمد داوود اوغلو؛ دوم، حزب حاکم عدالت و توسعه، نقش نظامیان را که فاکتوری بسیار تأثیرگذار در سیاست سخت‌گیرانه ترکیه در قبال کردستان عراق بودند، محدود کرد و سوم، پیدایش ترکیه به‌عنوان «دولتی تجاری»^۲ که با رقابت این کشور بر سر قدرت نرم در دیپلماسی منطقه‌ای خود همراه بود و سود زیادی را به دنبال داشت (Park, 2012:2).

به واقع می‌توان گفت که رشد روابط تجاری بین مرزی میان ترکیه و دولت اقلیم کردستان از بهبود روابط در عرصه سیاسی پیشی گرفت و در حال حاضر دولت اقلیم کردستان عراق، سهم نصف تجارت ترکیه با عراق را دارد. بسیاری از پروژه‌های ساخت و ساز و بسیاری از کالاهای فروشی در اقلیم کردستان عراق محصول ترکیه است. ده‌ها هزار شهروند ترکیه‌ای که بسیاری از آن‌ها کردهای ترکیه هستند، در کردستان عراق کار می‌کنند و یا کسب و کاری در آن‌جا ایجاد کرده‌اند.

۴-۴. روابط ترکیه با بغداد

هم‌زمان با روابط خوب و دوستانه با دولت اقلیم کردستان در عراق، آنکارا روابط دوستانه خود با بغداد را حفظ کرده بود. «شورای همکاری استراتژیک سطح بالا»^۳ ترکیه و عراق در سال ۲۰۰۸ تأسیس و روابط تجاری به سرعت افزایش یافت. ولی مشکل زمانی آغاز شد که نخست‌وزیر شیعی عراق، نوری المالکی^۴، معاون سنی رئیس‌جمهور، طارق الهاشمی^۵، را متهم به شرکت در عملیات تروریستی کرد. حتی وضعیت با به حاشیه رانده شدن سنی‌ها از دولت بغداد بغرنج‌تر شد. الهاشمی در ابتدا به اقلیم کردستان عراق و بعداً به ترکیه گریخت و ترکیه از تحویل او به مقامات عراقی خودداری کرد. در عوض، رجب طیب اردوغان^۶، نخست‌وزیر ترکیه، نوری المالکی را مورد انتقاد شدید قرار داد که به دنبال تفرقه افکنی مذهبی است. در مقابل، نوری

1 Zero Problems

2 Trading State

3 High-Level Strategic Cooperation Council

4 Nouri Al-Maliki

5 Tariq Al-Hashemi

6 Recep Tayyip Erdogan

المالکی آنکارا را به دخالت در امور داخلی عراق متهم کرد و ترکیه را به عنوان « متخاصم »^۱ عراق توصیف نمود. به واقع می‌توان گفت که بارزانی و ترکیه در تلاش بودند تا نوری المالکی را از قدرت برکنار کنند. همانطور که در می ۲۰۱۲ اعتراضاتی در بغداد مبنی بر اینکه فعالیت کنسول‌های ترکیه در بصره^۲ و موصل^۳ با وضعیت دیپلماتیک آن‌ها مغایرت دارد، صورت گرفت.

روابط انرژی میان ترکیه و دولت اقلیم کردستان به ضرر بغداد به سرعت افزایش یافته است. دولت عراق با آزادی اربیل در جهت دور زدن بغداد در قراردادهای انرژی با طرف سوم به شدت مخالف است. ولی هیچکدام از این مخالفت‌ها، دولت اقلیم کردستان را از گسترش روابط با ترکیه باز نداشته است. در اوایل سال ۲۰۱۲، دولت اقلیم کردستان قصد خود را مبنی بر احداث خطوط لوله‌ای به‌عنوان جایگزین خط لوله کرکوک - جیهان^۴ که در کنترل بغداد است، جهت انتقال نفت از زمین‌های کردستان عراق به ترکیه اعلام کرد. دولت اقلیم کردستان عراق همچنین به رغم اصرار بغداد مبنی بر اینکه چنان تجارتی غیرقانونی است، فروش مستقیم نفت خام به ترکیه را آغاز کرد (Park, 2012: 3). ترکیه، شکایت‌های بغداد از احداث خطوط لوله نفتی توسط دولت اقلیم کردستان عراق را رد کرد. همچنین اربیل قراردادهایی با شرکت‌های بزرگ نفتی مثل اکسون - موبیل^۵، شورون^۶ و توتال^۷ و همچنین با شرکت جینل انرژی آنگلو - ترکی^۸ که می‌تواند استقلال دولت اقلیم کردستان را از بغداد بیشتر کند؛ منعقد کرده است. ترکیه اعلام نکرده است که موضعش در قبال کرکوک تغییر یافته است ولی به نظر می‌رسد که رویکرد «خط قرمز» ترکیه در قبال دولت اقلیم کردستان عراق منعطف‌تر شده است. در آگوست ۲۰۱۲، داوود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه، بدون هماهنگی با بغداد از اربیل به کرکوک رفت. این امر منجر به این شد که دولت عراق تهدید به بازبینی روابط خود با ترکیه کرده و چند روز بعد از این ماجرا، نوری المالکی، آنکارا را به دلیل نوع

1 Hostile

2 Basra

3 Mosul

4 Kirkuk - Ceyhan

5 Exxon-Mobil

6 Chevron

7 Total

8 Anglo-Turkish Genel Energy

رفتار خود در قبال دولت اقلیم کردستان که حاکی از رفتار با دولتی مستقل بود، مورد انتقاد قرار داد. در ظاهر هدف داوود اوغلو، ملاقات با ترکمن‌های منطقه بود. در هر حال، این گمان وجود داشت که ترکیه به دنبال تشویق کردها، ترکمنها، سنی‌ها و حتی اعراب شیعه برای شکل‌گیری ائتلاف ضد نوری المالکی بود.

در واقع می‌توان ادعا کرد که ترکیه و دولت اقلیم کردستان عراق متحد هستند و روابط نزدیک آن‌ها تنها به علت مخالفت هر دو با نوری المالکی نیست. روابط میان مقامات دو طرف برپایه اعتماد متقابل شکل گرفته و دیدار بین مقامات مکررا اتفاق می‌افتد. برای مثال نخست وزیر دولت اقلیم کردستان عراق، نچیروان بارزانی^۱ تصمیم گرفت تا ترکیه را به عنوان « یار استراتژیک » اربیل اعلام کند.

در طول سفر مسعود بارزانی رئیس دولت اقلیم کردستان عراق به ترکیه در آوریل ۲۰۱۲ از او استقبال با شکوهی به عمل آمد. اما درست چند هفته بعد از دیدار بارزانی با مقامات ترکیه، او دوباره بحث استقلال کردستان را از عراق مطرح و تهدید به برگزاری همه پرسی جهت استقلال کرد.

به نظر می‌رسد که ترکیه به دنبال برقراری ترتیبات منطقه‌ای جدید می‌باشد و در این ترتیبات، کردستان عراق می‌تواند در صورتی که از نظر روابط تجاری و انرژی به ترکیه وابسته باشد، دولتی خود مختار داشته باشد. در این راهبرد، شیعیان عراق هم تا جای ممکن باید در موضع ضعف قرار بگیرند. البته نه به این دلیل که شیعیان عراق ایدئولوژی متفاوت‌تر از ترکیه را دارند، بلکه بیشتر به این دلیل که در ذهنیت راهبردی نخبگان ترکیه، یک دولت شیعی که وابسته به ایران باشد، نمی‌تواند تأمین‌کننده مطمئن منافع ترکیه باشد.

۵-۴. همه پرسی کردستان عراق

همانگونه که اشاره شد، موضوع استقلال منطقه کردستان عراق، موضوع تازه‌ای نیست و به‌خصوص طی سال‌های اخیر بارها توسط برخی از مقامات این منطقه از جمله مسعود بارزانی، رئیس منطقه، مطرح شده است. مسعود بارزانی در اجلاس داووس اعلام کرد که زمان استقلال فرا خواهد رسید. بارزانی در عین حال ضمن اینکه عنوان کرد استقلال

1 Nechirvan Barzani

منطقه کردستان عراق «شانس بزرگ» دولت جدید آمریکا است، مدعی شد که در دولت کنونی آمریکا دوستانی دارد که از استقلال منطقه کردستان حمایت خواهند کرد و با تکیه بر این حمایت روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ را به عنوان روز همه‌پرسی اعلام کرد و به رغم مخالفت بغداد و ترکیه و برخی از دیگر دولت‌ها، و البته با حمایت اسرائیل، همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق برگزار شد و تحرک کردستان عراق برای استقلال علاوه بر بغداد سبب نگرانی ترکیه شده است. در واقع ایران، ترکیه و سوریه به لحاظ وجود جمعیت‌هایی از کردها در درون مرزهای ملی خود نسبت به تحرک اربیل برای استقلال با حساسیت می‌نگرند اما ضریب امنیتی چالش تحرک کردستان عراق برای استقلال برای ترکیه و سپس سوریه به مراتب بالاتر از ضریب این چالش برای کشورمان است، چرا که به دلایل تاریخی و فرهنگی شکاف هویتی در بین کردها و ترکها در ترکیه و شکاف کردها و اعراب در سوریه و عراق عمیق است اما چنین گسل عمیق هویتی در خصوص کردهای ایران وجود ندارد. از طرفی اقلیم کردستان عراق سومین بازار صادراتی برای ترکیه محسوب می‌شود و چشم انداز انتخابات ۲۰۱۹ ترکیه نیز بر دشواری‌های محاسبات اردوغان افزوده است، از سویی ایالات متحده به گونه‌ای موضع‌گیری کرده است که ترکیه را از توسل به زور در این مسأله برحذر داشته است، متاثر از این عوامل آنکارا در صدد برآمده است که از نفوذ سیاسی ایران در بغداد و نیز در همکاری با ایران برای اعمال فشار بر کردستان عراق بهره‌گیری نماید و بدین گونه با پرداخت کمترین هزینه‌های ممکن فشارها را بر اربیل افزایش دهد. به نظر می‌رسد آثار چالش کردستان عراق برای امنیت ملی کشورمان بر خلاف معظلات پیچیده ترکیه، به آسانی قابل مدیریت است. بعلاوه ترکیه در طول دهه گذشته نفوذ چشمگیر اقتصادی در اقلیم کردستان عراق کسب کرده است نفوذی که می‌تواند با چالش حضور بیشتر اقتصادی ایران در میان مدت ضمن رد همه‌پرسی استقلال کردستان عراق مواجهه شود، به عبارتی با توجه به این که ضریب امنیتی چالش کردستان عراق به مراتب برای کشورمان پایین‌تر است و آسیب‌پذیری ایران در برابر تحرکات استقلال طلبانه اربیل به دلایل عمیق تاریخی و پیوندهای گسترده تهران با بغداد و نیز با توجه به توان دفاعی کشور ناچیز و قابل مدیریت است براین اساس ایران می‌تواند ضمن رد همه‌پرسی استقلال کردستان

عراق حضور خود را در فعالیت های اقتصادی و عمرانی این منطقه از عراق گسترش داده و با بکارگیری دیپلماسی و گسترش پیوندهای سیاسی مانع از افزایش حضور اسرائیل و دیگر رقبای منطقه ای کشورمان از جمله عربستان سعودی و ترکیه در این بخش از کشور عراق شود.

نتیجه گیری

این مقاله به بررسی سیاست ترکیه در قبال کردهای این کشور پرداخت و در این قالب، ابعاد مختلف این مسئله را مورد بحث و واکاوی قرارداد. ابتدا بخش مختصری به تاریخچه این مسئله اختصاص یافت. ذکر این مسئله از آن جهت اهمیت داشت تا بتوانیم به طرز واقع بینانه روند کنونی را تبیین و تحلیل نماییم. بعد از آن فرآیند صلح ترکیه با کردها و ابعاد و شرایط مختلف این فرآیند و همچنین چشم انداز تغییر قانون اساسی در ترکیه تبیین شد. در بخش پایانی هم به دو موضوع رابطه ترکیه با کردستان عراق و رابطه این کشور با بغداد پرداخته شد.

سوال اصلی در این مقاله این بود که سیاست ترکیه در قبال کردهای این کشور چه تأثیری بر رابطه این کشور با کشور عراق دارد؟ این سیاست شامل دو بخش کلی و جزئی است. بخش کلی مربوط به روند کلی دمکراتیزاسیون و تغییر قانون اساسی ترکیه و دادن آزادی های بیشتر به بخش های غیردولتی که در کل منجر به بهبود وضعیت همه شهروندان ترکیه اعم از ترک و کرد می شود و بخش جزئی که اختصاصا به وضعیت کردها مربوط می شود و شامل حق آموزش به زبان کردی و داشتن رسانه و نهایتا فرآیند صلح است.

فرض بر این بوده است که سیاست ترکیه در قبال کردهای این کشور منجر به گسترش نفوذ و افزایش رابطه این کشور با عراق می شود. استدلال نویسندگان مقاله این است که فرآیند صلح ترکیه با کردها منجر به از بین رفتن تهدید جدایی طلبی آنها در داخل شده و از سوی دیگر، قطع حمایت های دولت اقلیم کردستان عراق از گروه پ ک ک را در پی خواهد داشت. همچنان که دولت اقلیم کردستان نمایندگان پ ک ک را از شرکت در انتخابات این منطقه ممنوع کرده است. به عبارت دیگر، کاهش آسیب پذیری در داخل

منجر به باز شدن دست ترکیه در ارتباط خود با دیگر همسایگان خود و به ویژه در رابطه خود با آن دسته از بازیگرانی می‌شود که از این ضعف استفاده می‌کردند و با حمایت‌های پنهان از پ ک ک منجر انفعال ترکیه می‌شدند. در بخشی از مقاله تبیین شد که نخبگان ترکیه از جمله نظامیان رده بالا در خلال تحولاتی که در طول سالیان اخیر به وقوع پیوسته، به این نتیجه رسیده‌اند که مسئله کردها ضرورتاً یک مسئله سیاسی است و تنها از طریق اقداماتی که نارضایتی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کردها را برطرف کند، به طور موثر می‌تواند حل شود. همچنین تبیین شد که تغییر دیدگاه سیاسی ترکیه نسبت به حقوق سیاسی و اجتماعی کردها و بخصوص چرخش سیاسی حزب حاکم آن در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و اجتماعی کردها همزمان با برگزاری دو دوره همه‌پرسی تغییر در قانون اساسی این کشور، انتظارات فراوانی را در درون جامعه کردها بازتولید کرد. در واقع، برآیند این تغییرات اینگونه بود که حزب عدالت و توسعه در این تغییر دیدگاه و چرخش سیاسی، مسئله کردها را از یک موضوع کاملاً امنیتی خارج و به یک موضوع سیاسی تبدیل کرد. این فرایند در چارچوب نظریه مکتب کپنهاگ و با کاربست نظریه «امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی» تحلیل و تبیین و به بررسی و تبیین چرایی و چگونگی این مسئله پرداخته شد. در همین راستا، مقاله با تکیه بر دیدگاه نظری باری بوزان تلاش کرد تا توضیح دهد که فرایند امنیتی‌کردن مسائل و موضوعات سیاسی، چه بسا از هر تهدید ساده‌ای، به یک تحلیل امنیتی منتهی شده و بدین ترتیب، تهدیدات - ولو ساده و پیش پا افتاده را - تا سطح ملی و تهدید امنیتی بالا می‌برد. لذا آنگونه که بوزان اعتقاد دارد، برای پرهیز از این آفت، لازم است با معیارهای درست به منظور تمییز تهدیدات امنیتی از غیرامنیتی، به اصل لزوم «غیرامنیتی‌کردن» مسائل و موضوعات غیراساسی تحقق بخشید. چراکه به باور اندیشمندانی چون بوزان، سیاست موفق آن است که بتواند موضوعات را از فضای امنیتی خارج و به فضای سیاسی و غیر آن وارد سازد. با این مفروض مکتب کپنهاگ می‌توان پیش‌بینی کرد که استمرار خط مشی‌های اتخاذ شده توسط حزب عدالت و توسعه در قبال کردهای این کشور، منجر به کاهش آسیب‌پذیری این کشور از ناحیه داخلی و به تبع آن افزایش نفوذ ترکیه در عراق و گسترش رابطه با این کشور خواهد شد.

منابع

الف - فارسی

- بوزان، باری ۱۳۷۹. آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سوم، شماره سوم، صص ۹-۱۵.
- هرسیج، حسین و فتاحی، احمد ۱۳۸۹. امنیت به مثابه مفهومی وابسته و منازعه‌انگیز. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۱، صص ۱۲۴-۸۹.

ب - انگلیسی

- Ana Villellas, 2014. *The Kurds in the spotlight: local and regional challenges*, NOREF Report (Norwegian Peacebuilding Resource Centre).
- Arabella Thorp, 2011. *Turkey's 2011 elections and beyond*, SN/IA/6035, House of Commons Library, International Affairs and Defence Section.
- Barbara Robson, 1996. *Iraqi Kurds, Their History and Culture*, Refugee Fact Sheet Series, No13.
- Ben Smith, 2013. The Kurds: New Perspective? , *House of Commons Library* (International Affairs Section).
- Bill Park, 2012. *Turkey, Kurds, Iraq, Syria: a new regional dynamic*, department of defense studies, Kings College London.
- Carol Migdalovitz, 2010. *Turkey: Politics of Identity and Power*, Congressional Research Service, www.crs.gov.
- Cengiz Candar, 2013. *Erdogan Taksim Square and the Kurdish Peace Process*, Al-Monitor.
- Democratic Transition: a Case Study of ACEH Separatist Movement*”, Paper presented at the 8th Pan – European Conference on International Relations
- Egemen Basar Bezci, 2009. *The Kurdish Question in Turkey: A Critical Juncture*, TELAVIV NOTES CENTER.
- F.stephen. Larrabee and Gonul Tol, (2011. Turkey's Kurdish Challenges, *Survival*, Vol. 53 No.4.
- F.stephen. Larrabee. 2010. *Troubled Partnership: US – Turkish Relations in era of Global Geopolitical Change*, Santa Monica, CA: RAND.
- Fevzi Bilgin, 2012. *Resolving Turkey's Kurdish Issue*, RETHINK INSTITUTE, WASHINGTON DC
- Kemal Kirisci, 2003. *The future of Turkish foreign policy (The Kurdish Question and Turkish Foreign Policy)*, Center on the United States and Europe's Turkey Project, BROOKINGS INSTITUTION.
- Keyman, E. Fuat; Kanci, Tuba, 2012. *Turkey in 2012: A General Overview*, Geographical Overview | Middle East and Turkey.
- Michael Gunter, 1997. *The Kurds and the Future of Turkey*, New York: St. Martin's Press.
- Morton Abramowitz and Eris Edelman, 2013. *From Rhetoric to Reality: Reframing US Turkey Policy*, BIPARTISAN POLICY CENTER.

- Omer Taspinar and Gonul Tol, 2014. *Turkey and the Kurds: from predicament to opportunity*, US – Europe Analysis Series at BROKINGS, No 54.
- Yandry, Kasim 2013. “*Securitization and De Securitization in Indonesia’s*”
- Ziya Öniş-Şuhnaz Yılmaz, *BETWEEN EUROPEANIZATION AND EURO-ASIANISM: FOREIGN POLICY ACTIVISM IN TURKEY DURING THE AKP ERA*, Turkish Studies-Special Issue

۲۲۴



تأثیر تحول سیاست داخلی آنکارا نسبت به مسأله کردها بر روابط ترکیه و عراق